

دوفصلنامه علمی پژوهشی حدیث پژوهی

سال یازدهم، شماره بیست و یکم، بهار و تابستان ۱۳۹۸

صفحه ۳۶۷-۳۹۴

نقدی بر روش هاشم معروف حسنی در اعتبارسنجی روایات فضایل اهل بیت (علیهم السلام) در کتاب الموضوعات فی الآثار و الأخبار

فریده امینی*

پروین بهارزاده**

معصومه شیردل***

طاهره نعمتی****

◀ چکیده

از جمله آثار معاصر در زمینه احادیث ساختگی، کتاب *الموضوعات فی الآثار و الاخبار* تألیف هاشم معروف *الحسنی* است که درباره روایات جعلی موجود در منابع فریقین و با تأکید بر روایات منقبت و منقصت نگاشته شده است. تاکنون پژوهش‌های چندی در خصوص معرفی، روش‌شناسی و نقد این اثر با نگاهی کلی صورت گرفته است. پژوهش حاضر ضمن بهره‌گیری از این آثار، نقد و بررسی روایات فضایل اهل بیت (علیهم السلام) را به طور خاص مورد نظر دارد. گرچه هاشم معروف در سراسر کتاب *الموضوعات* با رویکرد نقد متنی و نقد سندی با روایات مواجه شده، گاه با اهمال و تسامح و گاه یک‌جانبه و عجولانه قضاوت کرده است. به نظر می‌رسد وی عمدتاً از روی محتوای روایت حکم به جعلی بودن آن داده و بررسی‌های سندی وی بیشتر جنبه تأیید و تأکید دارد. روش وی در بررسی سندی برخی روایات با ایراداتی همچون تعمیم‌گرایی، غفلت از منابع رجالی دست اول، پرداخت بی‌ضابطه به بحث غلو، عرضه اطلاعات نادرست در شرح احوال راویان و نقد غیرمنصفانه برخی محدثان و صاحبان آثار، عدم تفحص از سایر طرق روایت در منابع معتبر روایی و کم‌توجهی نسبت به جمع‌آوری احادیث هم‌مضمون و خانواده حدیثی، بهره‌گیری از معیارهای اختلافی، اصرار بیش از حد بر معیار موافقت روایت با عقل و علم تجربی روبه‌روست.

◀ **کلیدواژه‌ها:** هاشم معروف الحسنی، کتاب *الموضوعات*، فضایل اهل بیت (علیهم السلام)، ارزیابی متنی و سندی.

* دانشجوی دکتری دانشگاه الزهراء(س)، نویسنده مسئول / Fa.Amini@alzahra.ac.ir

** استادیار دانشگاه الزهراء(س) / bahar-p@Alzahra.ac.ir

*** دانشجوی دکتری دانشگاه الزهراء(س) / shirdel114@gmail.com

**** دانشجوی دکتری دانشگاه الزهراء(س) / t_nemati64@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۱/۲۸ تاریخ پذیرش: ۹۷/۹/۱۳

۱. بیان مسئله

هم‌زمان با گسترش پدیده جعل حدیث، نقد و پالایش جوامع روایی نیز آغاز شده است. گاهی این نقد و بررسی از جنبه سلبی صورت گرفته که حاصل آن، تدوین آثاری مستقل با عنوان عمومی *الموضوعات* است. در میان این آثار، کتاب *الموضوعات فی الآثار و الاخبار نوشته هاشم معروف الحسینی* با رویکرد تطبیقی به جوامع حدیثی فریقین و با تأکید بر منابع روایی شیعه نگاشته شده است. مؤلف در این اثر به‌طور گسترده به روایات منقول در منقبت و منقصت توجه می‌کند.

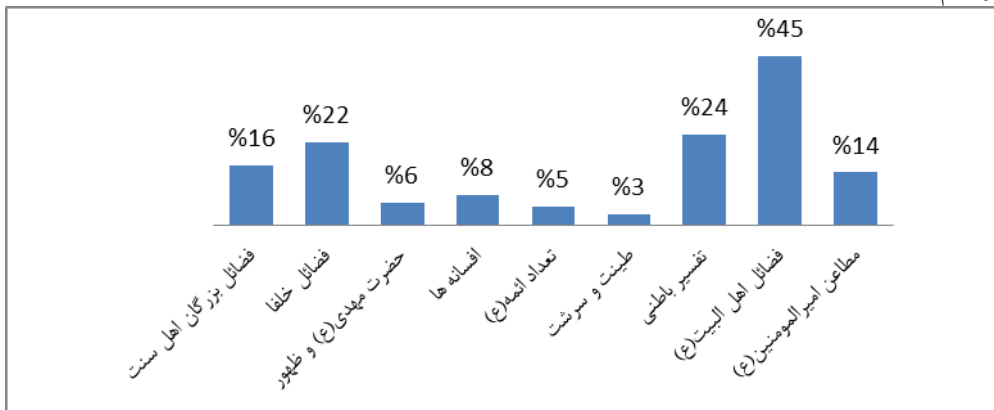
این اثر با اقبال محققان در حوزه حدیث پژوهی روبه‌رو شد و پژوهش‌های معتنا بهی در خصوص معرفی این اثر و بررسی روش مؤلف اثر صورت گرفته است، برای نمونه اسماعیلی در مقاله‌ای با عنوان «معرفی اجمالی کتاب *الموضوعات فی الآثار و الاخبار*» به معرفی نویسنده اثر و معرفی فصول کتاب می‌پردازد. (اسماعیلی، ۱۳۸۱، ص ۱۸۵-۱۹۷) اثر دیگری با عنوان «*الموضوعات فی الآثار و الاخبار در شناخت احادیث موضوعه*» (اخوان صراف، ۱۳۸۳، ص ۱۸۸-۱۵۶) به روش کار مؤلف، فضای شکل‌گیری اثر، مشکلات سندی و متنی به صورت کلی پرداخته است، از همین نویسندگان مقاله‌ای دیگر با عنوان «چون و چرایی در تشخیص موضوعات» به نگارش درآمده است (اخوان صراف، ۱۳۸۶، ص ۱۲۹-۱۴۹) نگارنده مقاله مزبور بر این عقیده است که هاشم معروف در مبانی از عدم دقت و شفافیت برخوردار است و معیاری برای تشخیص احادیث مجعول ارائه نکرده است. مقاله‌ای دیگر با عنوان «*رابطه میان غلو و جعل در کتاب الموضوعات*» به نگارش درآمده است که نگارندگان معتقدند هاشم معروف در اثر خود اتهام به غلو را برابر جعل در نظر گرفته است، این در حالی است که در این دیدگاه چند اشکال اساسی وجود دارد که نگارندگان در مقاله خود به تبیین این اشکالات پرداخته‌اند. (عزتی، اسمی، ۱۳۹۶، ص ۱۱۷-۱۳۹) همچنین پایان نامه‌ای به عنوان *نقد روش‌های نقد حدیث هاشم معروف در کتاب الموضوعات* به نگارش درآمده است؛ در این اثر تمرکز نگارنده بر بررسی ملاک‌های جعلی بودن حدیث در کتاب *الموضوعات* قرار گرفته است. نگارنده نادیده گرفتن تاریخ حدیث شیعه و اهل تسنن از جانب هاشم معروف را از مهم‌ترین اشتباهات وی ذکر کرده است. (امامی جو، ۱۳۸۳)

نظر به اهمیت موضوع «فضایل اهل بیت (ع)» در جوامع روایی شیعه، همچنین دغدغه و انگیزه مؤلف شیعی این اثر یعنی تنزیه ائمه (ع) از نسبت‌های ناروای مذکور در برخی احادیث جعلی نسبت به ایشان (معروف الحسنی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۰)، انجام پژوهشی مستقل در خصوص نقد و بررسی روش هاشم معروف در نقد روایات فضایل اهل بیت (ع) ضروری به نظر می‌رسد. پژوهش حاضر برخلاف آثار قبل که کل اثر را مورد نظر قرار داده‌اند، تمرکز خود را بر نقد روایات فضایل اهل بیت (ع) قرار داده است، تا از این طریق بتواند با اعمال دقتی افزون‌تر دیدگاه هاشم معروف را در خصوص روایات فضایل اهل بیت (ع) تبیین و مشخصه‌های روشی وی را بررسی و ارزیابی نماید.

از طرفی، با بررسی مضمون احادیث موجود در فصل چهارم *الموضوعات* که هاشم معروف آن‌ها را جعلی می‌شمارد، ملاحظه می‌شود که توجه او نسبت به روایات فضایل اهل بیت (ع) بیش از سایر روایات جعلی در کتب فریقین بوده است. این مطلب نیز بر اهمیت مسئله فوق می‌افزاید.

فراوانی گونه‌های روایی مورد نظر هاشم معروف در *الموضوعات* به شکل زیر قابل

ترسیم است:



شکل (۱): نمودار گونه‌های احادیث موضوعه در *الموضوعات* هاشم معروف

۲. معرفی اجمالی هاشم معروف و الموضوعات و بررسی زمینه فکری او

هاشم معروف الحسینی در سال ۱۹۱۹م در جنوب لبنان، روستای «جناتا» در خانواده‌ای اهل علم متولد شد. تحصیلات مقدماتی را نزد پدرش سید معروف گذراند و آنگاه برای تکمیل تحصیلاتش رهسپار نجف شد. در آنجا از کرسی درس آیت‌الله خویی بهره برد. (واسطی، ۱۴۱۹ق، ص ۱۵) در سال ۱۹۴۲م به لبنان بازگشت و عهده‌دار منصب قضا در جبل عامل شد و سرانجام در سال ۱۹۸۴م از دنیا رفت. (امین، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۲۲۸)

الموضوعات فی الآثار والاحبار یکی از آثار حدیثی وی و شامل موضوعات زیر است:

حدیث و محدثان، اقسام حدیث، تاریخ جعل و وضع حدیث، تأثیر خلفا، قصه‌گویان، فرق و مذاهب مختلف اسلامی بر حدیث جهت‌گیری‌های فقهی، عقیدتی و سیاسی درباره حدیث و محدثان، نمونه‌هایی از احادیث وضع شده توسط برخی محدثان و قصه‌گویان در فضایل و معایب، احادیث ساختگی در ترغیب به دین و ترساندن از عواقب کارهای ناپسند از منابع شیعی و سنی.

وی قرآن را مهم‌ترین منبع شریعت و سنت را مهم‌ترین منبع تفسیر کتاب خدا می‌داند. همچنین معتقد است دروغ‌پردازی در حدیث نتیجه عواملی بوده که نخستین نشانه‌های آن در زمان حیات رسول اکرم ﷺ یا حداقل در زمانی نزدیک به وفات آن حضرت و قبل از پیدایش احزاب و فرقه‌های مذهبی و سیاسی بروز کرده است.

مؤلف انگیزه تألیف این کتاب را در سه نکته معرفی می‌کند:

- پاسخ به برخی نسبت‌های ناشایست که به تفکر شیعی داده شده است.
- پیراستن و تنزیه امامان معصوم علیهم‌السلام از آنچه به ناروا به ایشان نسبت داده می‌شود.
- تبیین این موضوع که میراث حدیثی شیعه نیز به دلایلی چند از آفت احادیث غیرصحیح مصون نبوده است.

هاشم معروف معتقد است حدیث در عصر اموی، عباسی، ایوبی و عثمانی بازنویسی شد، ولی باز هم در آثار شیعه و سنی، احادیث موضوعه وجود دارد. به همین دلیل شیعه نیز هیچ‌کدام از کتب حدیثی خود را از احادیث ضعیف مبرا نمی‌داند.

مؤلف در بیان اهداف تألیف این کتاب می‌گوید: «خواسته‌ام در این کتاب تشیع حقیقی را معرفی کنم و به بیان آرا و عقاید شیعیان راستین بپردازم.» هدف دیگر وی از نگارش این کتاب، پاسخ دادن به کسانی است که به علت وجود احادیث ساختگی در منابع روایی شیعه، می‌خواهند مذهب تشیع را خرافی، ساختگی و منسوخ معرفی کنند. (معروف الحسنی، ۱۴۰۷ق، ص ۹)

کتاب *الموضوعات* از چهار فصل تشکیل شده است. در فصل چهارم، که بحث اصلی پژوهش حاضر بدان اختصاص یافته، برخی احادیث جعلی در مناقب و مثالب ذکر شده و سپس از نظر متن، سند و شرایط راوی مورد ارزیابی قرار گرفته است. بی‌شک پیدایش هر اثر، متأثر از زمانی و مکانی است که مؤلف اثر در آن روزگار سپری می‌کرده است؛ از این رو به نظر می‌رسد پرداختن به شرایط عصری هاشم معروف تا حدی، روشنگر، انگیزه‌های وی در تألیف *الموضوعات* باشد.

حرکت فکری هاشم معروف هم‌زمان با تحولات فرهنگی و اجتماعی و همراهی وی با علمایی همچون امام موسی صدر و علامه سید شرف‌الدین در سال‌های ۱۹۴۲ تا ۱۹۸۴ در لبنان شکل گرفت.

با وجود آنکه لبنان در زمره واحدهای مستقل سیاسی جهان عرب به شمار می‌آید، تنوع قومی و طایفه‌ای در این کشور، آن را به یک جزیره کوچک با پدیده‌های متضاد و گوناگون تبدیل کرده است. لذا در این خطه گرایش‌های دینی گوناگون اعم از پیروان اسلام (فرقه‌های مختلف شیعه و سنی) و فرقه‌های مختلف مسیحیت و سایر اقلیت‌های دینی هم‌زیستی دارند. (علیزاده، ۱۳۶۸، ص ۱۳)

در اواخر دهه ۱۹۵۰، با تلاش‌ها و مجاهدت‌های علامه شرف‌الدین در راستای خروج شیعیان از حالت انزوا، به تدریج نشانه‌های اولیه تغییرات عمیق و گسترده اجتماعی آشکار شد. زیرا در این دوره، شیعیان به سرعت به شهرهای بزرگ مهاجرت کردند. (اسداللهی، ۱۳۷۹، ص ۲۶-۲۷)

حضور آیت‌الله صدر در نیمه‌های دهه شصت در لبنان، هم‌زمان با ریاست‌جمهوری فؤاد شهاب بود و ایشان در این دوره برای رهایی شیعه از محرومیت، به اعمال سیاست‌های اصلاحی شهاب کمک کرد. (غریب، ۲۰۰۰م، ج ۲، ص ۱۰۹) از آنجا که

شیعیان لبنان از نعمت حمایت داخلی و خارجی محروم بودند، آیت‌الله صدر هم‌زمان با آغاز فعالیت‌های گسترده دینی و فرهنگی خود در مناطق شیعه‌نشین لبنان، مطالعات عمیقی به منظور ریشه‌یابی عوامل عقب‌ماندگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شیعیان به اجرا گذاشت که حاصل آن، برنامه‌هایی در راستای سیاست محرومیت‌زدایی و جلب حمایت داخلی و خارجی بود. از جمله:

- تأسیس حزب «حرکت المحرومین»؛ به منظور برقراری توازن بین طوایف مختلف لبنان و محرومیت‌زدایی از کل جامعه لبنان. (حیدر، ۱۹۹۵م، ص ۴۹-۵۰)

- تأسیس مجلس اعلای شیعه و بر عهده گرفتن ریاست آن توسط امام موسی صدر (اسداللهی، ۱۳۷۹، ص ۳۲) که موجب شد شیعه ابزار قانونی محکمی برای کسب قدرت در لبنان به دست آورد.

- جلب نظر حمایتی ایران و سوریه که سبب شد شیعیان ضمن برخورداری از روحیه خودباوری همانند سایر طوائف از حامی خارجی بهره‌مند شوند. (خلجی، ۱۳۸۱، ص ۲۵)

امام موسی صدر معتقد بود: «اصل تکثرگرایی^۱ دینی و مذهبی، نمایندگی مطلوب و ممکن برای همه طوایف را تضمین می‌نماید.» (فضل الله، ۱۹۹۴م، ص ۱۸) مقبولیت تکثرگرایی مذهبی نزد امام موسی صدر باعث شد وی با تلاش فراوان، حرکت «گفتگوی بین ادیان و تقریب مذاهب» را در لبنان به راه بیندازد. (کمالیان و رنجبر، ۱۳۸۶، ص ۲۴)

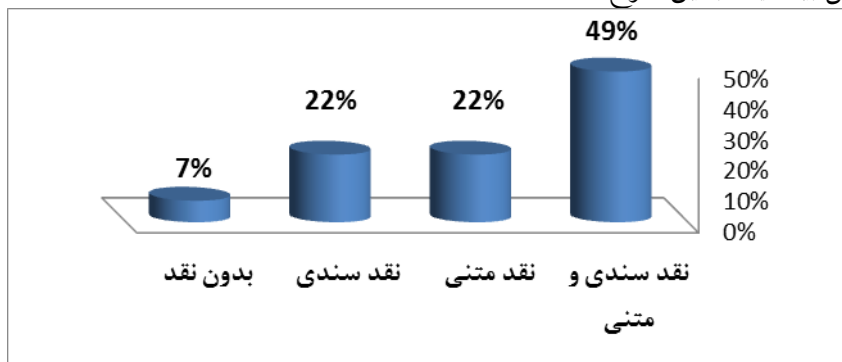
در مجموع می‌توان گفت نظر به شرایط عصری مذکور، قوی‌ترین انگیزه هاشم معروف تلاش برای شکستن انزوای شیعیان در لبنان و همراهی با سیر تحولات فرهنگی و اجتماعی در راستای حرکت به سوی تکثرگرایی و گفتگوی بین‌الادیانی بوده است. وی انگیزه خود از نشر *الموضوعات* را این‌گونه ذکر می‌کند: «امروز در بیروت از سوی برخی مؤسسات کتاب‌های غلوآمیز شیعه از جمله *قضاوت‌های امیرالمؤمنین*، *مشارق الانوار*، *مختصر بصائر الدرجات* و ... از سوی ناشرانی منتشر می‌شود که دین و تشیع را سرمایه تجارت خود قرار داده‌اند که البته با نوعی تعمد و اهدافی دیگر نیز همراه است. نشر این‌گونه آثار نه واقعیت‌اثره را بیان می‌کند و نه عقیده شیعه را و نه

به تشیع حقیقی مرتبط است، پس از فراهم شدن انگیزه به تألیف کتاب الموضوعات پرداختم.» (معروف حسنی، ۱۴۰۷ق، ص ۹)

۳. روش هاشم معروف در نقد احادیث

هاشم معروف در سراسر کتاب خود برای بررسی روایات، از نقد متنی و سندی بهره گرفته است؛ گرچه بر اساس نوع روایات، میزان توجه به هریک از جنبه‌های سند و متن در نقد آن‌ها متفاوت است.

نمودار اقسام نقد حدیث در الموضوعات هاشم معروف در باب روایات فضایل اهل بیت (ع) بدین شرح است.



شکل (۲): نمودار اقسام نقد حدیث در الموضوعات هاشم معروف

همان گونه که در نمودار بالا ملاحظه می‌شود، بررسی احادیث از سوی مؤلف موضوعات یکدست و همسان صورت نگرفته است؛ برخی احادیث بدون نقد رد شده‌اند، برخی تنها نقد متنی یا سندی شده‌اند و تنها ۴۹ درصد از روایات هم به لحاظ سند و هم متن مورد بررسی قرار داده گرفته‌اند، این در حالی است که نقدهای صورت گرفته اعم از نقد سندی یا متنی نیز محل مناقشه است.

در ادامه به منابع روایی، منابع رجالی و نقد روش شناختی الموضوعات به تفکیک سندی و متنی و با ذکر نمونه پرداخته خواهد شد.

۳-۱. محاسن روش نقادی هاشم معروف

هاشم معروف می‌کوشد با به‌کارگیری تمام ضوابط نقد حدیثی، به شکل همه‌جانبه به نقادی آن دسته از روایاتی بپردازد که به گونه‌ای داستان‌وار، اسطوره‌ای و به تفصیل،

برخی فضایل واهی را برای اهل بیت علیهم السلام ذکر کرده است. وی معتقد است این گونه مطالب نه تنها فضیلتی برای اهل بیت علیهم السلام محسوب نمی شود، بلکه موجب تضعیف چهره ایشان و وهن مذهب تشیع می گردد. (معروف الحسنی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۰) از جمله مهم ترین مستندات وی در رد این قبیل روایات، استدلال امام سجاده علیه السلام در نقد روایات قصه گونه است. (همان، ص ۲۱۷)

از باب نمونه،^۲ می توان به روایت مربوط به کرامات پیامبر صلی الله علیه و آله در دوران جنینی و طفولیت ایشان اشاره کرد که مشتمل بر عجایب و غرایب فراوانی است. هاشم معروف به هنگام نقد این روایت، گزیده هایی از آن را نقل کرده و از جنبه سندی و متنی به نقد آن می پردازد. وی با اذعان به امکان ظهور برخی کرامات برای انبیاء علیهم السلام قبل از نبوت ایشان، احتمالات و شبهات فرضی در تأیید این روایات را نیز مطرح و رد نموده و همواره بر بی ثمر بودن این قبیل معجزات و کرامات تأکید کرده است. (نک: همان، ص ۲۲۳-۲۲۹)

۴. ارزیابی منبع شناختی الموضوعات هاشم معروف

نحوه بهره گیری هاشم معروف از منابع گوناگون از جمله منابع روایی و رجالی قابل نقد و ارزیابی است؛ به بیان دیگر وی درباره برخی منابع روایی با دیدگاهی تعمیم گرایانه برخورد می نماید که گاهی نیز به قضاوتی غیر منصفانه می انجامد. همچنین در استفاده از منابع رجالی تنها به یادکرد از چند منبع محدود که اغلب در زمره منابع دست دوم رجالی نیز محسوب می شوند، بسنده کرده است که در ادامه بحث به تفصیل از آن سخن خواهد رفت.

۴-۱. منابع روایی الموضوعات

منابع روایی الموضوعات هاشم معروف به همراه میزان استناد به این آثار در نمودار زیر قابل ملاحظه است:



شکل (۳): نمودار میزان استناد به منابع روایی در الموضوعات هاشم معروف

سه کتاب نخست که بیشترین استناد به آن‌ها صورت گرفته و از نظر اعتبار قابل تأمل است، عبارت‌اند از:

الف. مدینه المعاجز؛ تألیف علامه سید هاشم توبلانی بحرانی از فقها، محدثان و مفسران شیعه در قرن یازدهم و دوازدهم هجری است. وی استاد شیخ حر عاملی بوده و مرجعیت دینی و اجتماعی اهالی بحرین را بر عهده داشت. کتاب *البرهان فی تفسیر القرآن* از اوست. وی در سال ۱۱۰۷ق یا ۱۱۰۹ق وفات یافته و پیکرش در توبلی، در گورستان ماتینی در بحرین به خاک سپرده شده است.

کتاب *مدینه المعاجز* مشتمل بر دوازده باب و هر باب به بیان معجزات یکی از امامان معصوم (ع) اختصاص یافته و در مجموع بالغ بر ۲۰۶۶ معجزه در ضمن روایات متعددی از منابع معتبر فریقین نقل شده است.

نویسنده در آغاز این اثر به بیش از صد کتاب که تا آن زمان در موضوع امامت نوشته شده بود اشاره می‌کند؛ از جمله *الامامة الکبیر ابراهیم بن محمد ثقفی، الاستشفاء فی الامامة اسماعیل بن علی بن نوبخت، امامة علی علیه السلام ابن خالویه و الامامة الکبیر فضل بن شاذان*.

بحرانی در بیشتر موارد به نقل معجزاتی می‌پردازد که راویان شیعی و سنی در آن اتفاق نظر دارند و برخی روایات این کتاب از صحاح اهل سنت نقل شده است. با وجود این در برخی موارد معجزات مشابهی به دو یا چند امام نسبت داده می‌شود.

علاوه بر این، شماری از احادیث این کتاب با مقام عصمت ائمه معصومین علیهم السلام سازگار نیست. (برای نمونه: نک: بحرانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۱)

ب. **قضاء امام علی علیه السلام**: تألیف علامه شیخ محمدتقی بن محمدکاظم شوشتری (م ۱۴۱۶ق) از رجالیان شیعه در قرن چهاردهم هجری است. وی در حوزه‌های علمیه ایران، نجف و کربلا تحصیل کرده است و آثار بسیاری چون *قاموس الرجال*، *قضاء امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب*، *بهج الصباغة*، *الاخبار الدخیلة*، *رسالة فی تواریخ النبی و الآل* را از خود بر جای گذاشت. این اثر جزو اولین آثار علامه شوشتری است. (صادقی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۴)

علامه شوشتری انگیزه تألیف خویش را این گونه بیان می‌کند: «ندیده‌ام کسی از علمای متأخر کتابی جداگانه درباره قضاوت‌های امام علی علیه السلام تألیف نماید و تنها به مقدار یک باب در ضمن کتاب خود اکتفا کرده‌اند، چون موضوع مهم بود مایل شدم از قداما پیروی کنم و در این موضوع کتابی مستقل بنگارم.» (شوشتری، ۱۳۸۹، ص ۱۳)

وی برخلاف سایر نویسندگان این گونه آثار، که قضاوت‌ها را به ترتیب زمانی آورده‌اند، به موضوع قضاوت‌ها توجه نموده و اثر خویش را در ۵۴ فصل تدوین کرده است. (همان‌جا) علامه سلسله اسناد روایات را حذف ولی منابع خود را به دقت ضبط کرده است. شایان ذکر است که در کتب اربعه و منابع معتبر امامیه، بخشی از روایات قضائات آمده که بیشتر جنبه فقهی دارند و بخش دیگری از این روایات در کتب مناقب ذکر شده و در صدد بیان فضیلتی برای آن امام بزرگوار است. بسیاری از این اخبار، گذشته از جنبه غالبانه و مخالفت آن‌ها با حکم عقل، از منابع غیرمعتبر نقل شده‌اند. منابع این اخبار کتاب‌هایی منسوب به محمد بن جریر بن رستم طبری شیعی (قرن چهارم) یا شاذان بن جبرئیل (قرن ششم) است که صحت انتساب آن‌ها قطعی نیست. مناقب ابن شهر آشوب نیز به دلیل عدم استناد بسیاری از اخبارش قابل اعتماد نیست. (صادقی، ۱۳۹۳، ص ۲۴۹)

هاشم معروف علاوه بر ضعیف خواندن هفت روایتی که از کتاب *قضاوت‌های امام علی علیه السلام* نقل کرده است، نقدی تأمل‌برانگیز بر علامه شوشتری وارد می‌کند. وی بدون توجه به انگیزه شوشتری در تألیف *الاخبار الدخیلة*، وی را حشوی مسلک خوانده که

توان تشخیص سره از ناسره را ندارد. (معروف الحسنى، ۱۴۰۷ق، ص ۲۹۰) در جای دیگر علامه را به سبب تدوین این اثر مورد سرزنش قرار می‌دهد. (همان، ص ۲۸۲)

ج. مشارق انوار الیقین: تألیف شیخ رجب بُرسی (متوفی ۸۱۳ یا ۸۱۵ق) است که وی را حدیث‌شناس، فقیه و ادیب دانسته‌اند. (سبحانی، ۱۴۱۸ق، ج ۹، ص ۱۰۶) مشارق *أنوار الیقین فی أَسرار امیرالمؤمنین (ع)* مهم‌ترین و معروف‌ترین اثر بُرسی است که با شیوه‌ای بدیع و با استفاده از مبانی عرفان نظری به شرح و تفسیر فضایل اهل بیت (ع) به ویژه امام علی (ع) پرداخته است. بُرسی در این اثر، آن دسته از روایات فضایل معصومان (ع) را نقل نموده که کمتر مورد توجه پیشینیان بوده و نوشته او منبع سخنان سایرین است. به هر حال، بسیاری محبت شدید بُرسی نسبت به اهل بیت (ع) را مورد ستایش و تأکید قرار داده‌اند. (بیدآبادی، ۱۳۸۰، ص ۱۵)

مهم‌ترین انتقاد به کتاب *مشارق الأنوار الیقین*، ارائه مطالب غلوآمیز، نامعقول و نامفهوم است. (نک: حر عاملی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۱۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۵۲) همین انتقادها موجب شد تا علامه مجلسی روایاتی را که بُرسی بدان متفرد بوده است، درخور اعتماد نداند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۵۲) علامه مامقانی پس از وصف وی به عنوان انسانی فاضل و محدث بر این عقیده است که وی در بیان روایات گرفتار غلو شده است (مامقانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۴۲۹) اما به اعتقاد محسن امین، مطالب این کتاب به گونه‌ای نیست که باعث بی‌اعتمادی به حافظ بُرسی و تردید در اعتقادات وی شود. (امین، ۱۴۰۶ق، ج ۶، ص ۴۶۶) تعدادی از علما نظیر علامه امینی، علامه شوشتری، محدث قمی، ملا عبدالله افندی و محمدباقر خوانساری هم از این کتاب دفاع کرده‌اند. (امینی، ۱۴۱۶، ج ۷، ص ۵۰ و ج ۱۳، ص ۹۰) باید توجه داشت که وی به طیف درخور توجهی از منابع متقدم شیعه، از جمله کتاب *الواحدة* تألیف ابن جمهور بصری دسترسی داشته است.

بُرسی در مرور کوتاه خود بر عقاید امامیه، پایبندی خود به اعتقادات مشهور مذهب شیعه را نشان داده است و ضمن معرفی دو گروه اهل افراط و تفریط، خود را از «نمط اوسط» دانسته که آنان را «عارفون» می‌خواند. (برسی، ۱۴۲۲ق، ص ۳۱۵) با اینکه بارها از غلات انتقاد کرده، بازتاب برخی اندیشه‌ها در نوشته‌های وی موجب گمان‌هایی

درباره عقاید خاص مذهبی و غالباً او شده است. هاشم معروف معتقدند است که در کتاب *مشارك الأنوار*، صدها حدیث دروغ نقل شده است و نیز می‌گوید که بررسی در میان شیخیه و کشفیه و غلات طرفداران بسیار دارد. (نک: معروف الحسنی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۹۲-۲۹۳)

۴-۲. منابع رجالی الموضوعات

شاید بتوان عدم استفاده از منابع مختلف رجالی در *الموضوعات* را ضعف دیگر آن دانست. مؤلف عمدتاً تنها به دو منبع رجالی و البته ارزشمند، یعنی *منهج المقال فی تحقیق أحوال الرجال* و *إتقان المقال فی أحوال الرجال* اکتفا نموده و گاه به صورت محدود به رجال نجاشی و کشی استناد کرده است. (نک: همان، ص ۲۶۷ و ۲۶۸) مروری بر این منابع در نقد همه‌جانبه *الموضوعات* مؤثر است.

الف. *منهج المقال فی تحقیق أحوال الرجال*؛ نگاشته میرزا محمد بن ابراهیم استرآبادی (م ۱۰۲۸ق) است. وی فقیه، محدث و رجال‌نویس نامداری است که به گفته معاصرانش، در علم رجال و روایت و تفسیر، بالادستی نداشته است. (بهشتی، ۱۳۹۱ش، ص ۱۲۱) میرزا محمد نزد بزرگانی چون مقدس اردبیلی و ظهیرالدین میسی تلمذ نموده است. (سبحانی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۱، ص ۲۸۱) وی صاحب سه کتاب (کبیر، متوسط و صغیر) در زمینه رجال است؛ *منهج المقال* همان رجال کبیر اوست که بر آن حواشی متعددی نگاشته شده است. (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۸ق، ج ۶، ص ۲۲۵) این اثر بزرگ‌ترین کتاب رجالی تا آن زمان است. نویسنده تمامی راویان کتب اربعه و دیگر افراد موجود در کتاب‌های رجالی پیشین را به ترتیب الفبایی آورده و اقوال متقدمان و حتی نظریات اهل سنت را درباره راویان شیعی نقل کرده است. (طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ص ۱۹۶) منابع این کتاب علاوه بر کتب اربعه رجال شامل *رجال برقی*، *الفهرست ابن شهر آشوب*، *الفهرست منتجب‌الدین و الرجال* علامه حلی است. (خدایاری، ۱۳۹۰ش، ص ۴۱۲) ناگفته نماند که هاشم معروف معمولاً نام این کتاب را به اختصار *منهج المقال* و مؤلف آن را میرزا محمد معرفی کرده است. (نک: معروف الحسنی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۶۷ و ۲۹۱)

ب. *إتقان المقال فی أحوال الرجال*؛ تألیف محمدطه بن مهدی بن نجف التبریزی (۱۲۴۱-۱۳۲۳ق) است. وی فقیهی اصولی و رجالی محقق و از بزرگان مراجع

شیعه در زمان خود بوده است. (سبحانی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۴، ص ۷۴۵) این کتاب رساله مفصلی در احوال رجال است که مشتمل بر یک مقدمه در بیان مسائل مصطلح در علم رجال و سه بخش ثقات، حسان و ضعفاست. (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۸۳) در هر بخش، اسامی به ترتیب الفبا تنظیم شده است. مؤلف در شرح حال هر راوی، ضمن بیان نظریات هریک از مصادر رجالی اولیه در مورد آن شخصیت، به هر نوع مطلبی که مشخص‌کننده احوال راوی باشد، به‌طور مفصل و جامع اشاره می‌کند. شایان ذکر است که در وهله اول، نام این کتاب، *أحیاء الأموات من أسماء الرواة* بوده و مؤلف پس از عدول از این نام، آن را *اتقان المقال فی أحوال الرجال* نامیده است. (طلاییان، ۱۳۸۱ش، ص ۲۰۰) در این اثر اقوال بیشتر صاحب‌نظران و رجالیان شیعه همچون نجاشی، کشی، شیخ طوسی، علامه حلی، سید بن طاووس، شهید ثانی، برقی، استرآبادی و تفرشی جمع‌آوری و نقل شده است. (ضمیری، ۱۳۸۲ش، ص ۴۵۲)

هرچند دو اثر فوق دربردارنده نظریات رجالیان متقدم شیعی می‌باشند، در تحقیقات علمی در حوزه علوم اسلامی و خاصه در مباحث رجالی و جرح و تعدیل راویان، اولویت با منابع متقدم و پرهیز از ارجاع صرف به منابع متأخر و دست دوم است. ولی هاشم معروف در نقل قول از همین آثار نیز جانب امانت را رعایت نکرده و اغلب ارجاعات ناقصی ارائه می‌کند.

۵. نقد روش‌شناختی کتاب الموضوعات

با وجود اهمیت جایگاه کتاب *الموضوعات* در پیراستن جوامع روایی شیعه از بسیاری موهومات و علی‌رغم اهتمام هاشم معروف در نقد روایات، متأسفانه وی در نقد علمی بسیاری از روایات به‌خصوص در بخش فضایل اهل بیت (ع)، دچار اهمال و تسامح شده و گاهی قضاوتی یک‌جانبه و عجولانه داشته است. ضعف‌های موجود در روش نقد حدیثی هاشم معروف در باب روایات فضایل اهل بیت (ع) را می‌توان در دو بخش عمده نقد سندی و نقد محتوایی مورد بررسی قرار داد.

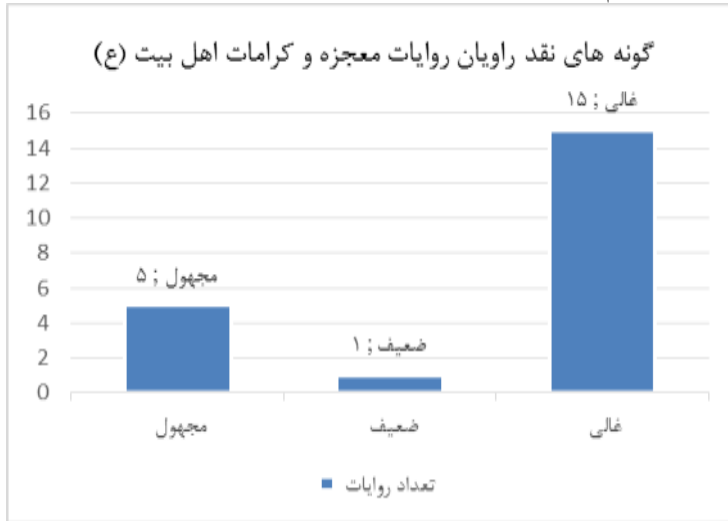
۵-۱. ضعف در نقد سندی و رجالی

کتاب *الموضوعات* که عمدتاً به تضعیف رجال سند اختصاص یافته و کمتر به مصطلحات حدیثی پرداخته است، دارای نقاط ضعفی در نقد سندی روایات فضایل

اهل بیت علیهم السلام می باشد. از جمله:

۱-۵. تأکید بر «غلو و غالی» و «رد روایات متهمان به غلو»

بررسی ها نشان می دهد که از میان گونه های نقد سندی و رجالی که درباره روایات فضایل اهل بیت علیهم السلام در کتاب *الموضوعات* صورت گرفته، غالی گری پربسامدترین نقد سندی است که هاشم معروف بدان تأکید کرده است.



شکل (۴): نمودار گونه های نقد سندی هاشم معروف درباره روایات فضایل اهل بیت علیهم السلام

گفتنی است که «غلو» در لغت به معنای تجاوز از حد، مبالغه، افراط، ارتفاع و زیاد شدن چیزی است. (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۷، ص ۳۱۸) در اصطلاح عبارت است از اینکه انسانی خواه ائمه علیهم السلام یا پیامبران یا افراد دیگر را از مقام مخلوق و بنده بودن بالاتر برده و قائل به مشارکت آن ها با خداوند در الوهیت، معبودیت، خالقیت و رازقیت شود یا اینکه معتقد به اموری نظیر حلول روح خدا در اینان یا تفویض امر خلقت به ایشان توسط خداوند بعد از خلق آن ها یا میرا بودن نامیرایی و جاودانگی آن ها و عروج ایشان به آسمان باشد. (مفید، ۱۴۳۰، ق، ص ۱۰۹)

غلو هم از حیث مصداق و هم از جهت کیفیت و حدود، لفظی عام است و همه مصادیق افراط و تجاوز از حد را در بر می گیرد و در تمام ادیان و مذاهب در طول

تاریخ رخ نموده است. (صفری فروشانی، ۱۳۷۸، ص ۲۲)

علامه شوشتری شخص «غالی» را با دو وصف معرفی می‌کند: الف. کسی که نه تنها واجبات را انجام نمی‌دهد، بلکه محرمات را نیز به سبب اعتمادی که به معرفت و شفاعت ائمه (ع) دارد، ترک نکرده است؛ ب. کسی که معتقد به علم غیب اهل بیت (ع) و نفی سهو از آنان بوده و معجزات و کرامات و معارف والای آنان را بازگو می‌کند. (شوشتری، ۱۴۱۹ق، ج ۹، ص ۳۱۵)

با این حال جای این پرسش هست که آیا هر غالی لزوماً جاعل نیز بوده و باید همه روایاتش را غیرمعتبر دانست؟

در ادامه به معرفی روایانی پرداخته می‌شود که در نگاه هاشم معروف غالی شناخته شده‌اند و به سبب وجود این افراد در سلسله‌سند روایتی، آن روایت را فاقد اعتبار می‌دانند.

الف. محمد بن سنان

در *الموضوعات* بر غالی بودن وی بسیار تأکید شده است. در حالی که در اعتبار او میان علمای امامیه اختلاف نظر قابل تأملی وجود دارد؛ دیدگاه اندیشمندان درباره محمد بن سنان به سه دوره قابل تقسیم است؛ نظر بیشتر قدما بر تردید یا توقف، متأخران تا زمان شهید ثانی تا دوره مجلسی اول بر تضعیف و از مجلسی اول تا دوره معاصر بر توثیق محمد بن سنان است، غلو از جمله دلایل تضعیف محمد بن سنان ذکر شده است که هیچ‌یک قابل اثبات نیست؛ با توجه به شواهد و قراین متعدد وی از یاران خاص امام رضا (ع) و امام جواد (ع) و همنشین اصحاب ایشان بوده است. (مهدوی راد و جباری، ۱۳۹۱، ص ۲۴) در مجموع می‌توان گفت وی سلسله روایاتی را بیان می‌کرده که برای افهام عموم قابل درک نبوده و طبیعتاً با انکار شدید مردم و علما مواجه شده است. لذا عده‌ای او را به غلو متهم کرده‌اند و از طرفی غالیان نیز از موقعیت وی سوءاستفاده کرده و برخی از روایات جعلی و غیرواقعی خود را به او نسبت داده‌اند. (شیری زنجانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۴، ص ۴۷۲۰)

ب. جابر جعفی

وی دومین فردی است که هاشم معروف وی را غالی می‌دانند. جابر جعفی از

شاگردان صادقین عليهم السلام و از روایان پر حدیث محسوب می‌شود. وی را در شمار ائمه حدیث و جزو نخستین گردآوردندگان حدیث به شمار آورده‌اند. در منابع شیعی تنها دو گزارش در اشاره به غلو جابر موجود است: گزارش اول از عبدالله بن حارث است که خود در شمار غالیان بوده و اندیشه‌ها و عقاید خود را به جابر نسبت داده است. اما به تصریح تاریخ، ادعای عبدالله بن حارث پس از وفات جابر بوده و غلو را برای جابر ثابت نمی‌کند. گزارش دوم عبارت توصیف نجاشی درباره اختلاط جابر است. البته اختلاط را می‌توان به دو معنا در نظر گرفت: ۱. پریشان احوالی (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۲۹۴)، ۲. فساد در عقیده. از متن نجاشی با توجه به عبارت «مختلطاً فی نفسه» معنای نخست برمی‌آید که حاکی از عدم غلو در عقیده جابر است. (نک: حقانی، ۱۳۹۱، ص ۳۷)

ج. مفضل بن عمر

سومین فردی است که هاشم معروف او را غالی معرفی می‌کند. دیدگاه علمای رجال درباره مفضل بن عمر متفاوت و متناقض است. بعضی از رجالیون او را ضعیف می‌دانند. (نک: ابن الغضائری، ۱۳۸۰، ص ۸۷؛ ابن داود حلی، ۱۳۹۲ق، ص ۵۱۸؛ نجاشی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۱۶) اما علمای رجال متأخر سعی نموده‌اند تا با جمع‌آوری قراین و شواهد و نقل روایاتی که در مدح مفضل بن عمر است، او را از اتهاماتی همچون غلو، خطابی مذهب بودن و اضطراب در روایت مبرا کنند. (نک: مامقانی، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۲۳۸؛ شوشتری، ۱۴۱۹ق، ج ۹، ص ۹۳؛ خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۸، ص ۲۹۲)

بسیاری از رجالیان، ملاک تضعیف مفضل بن عمر را قضاوت نجاشی درباره او می‌دانند. نجاشی در ترجمه مفضل بن عمر، او را فاسد المذهب می‌شناسد. آیت‌الله خویی کلام نجاشی را با کلام شیخ مفید که مفضل بن عمر را از فقیهان صالح و یاران خواص امام صادق عليه السلام شمرده، معارض دانسته است و مطابق مبنای رجالی خویش، سخن شیخ مفید را مقدم بر دیدگاه نجاشی دانسته است. همچنین وی با توجه به روایاتی که در مدح و فضیلت مفضل صادر شده است، می‌گوید: «حتی نسبت تفویض و خطابی به مفضل بن عمر ثابت نشده است.» (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۸، ص ۳۰۳-۳۰۴) مامقانی هم خطابی بودن مفضل بن عمر را نمی‌پذیرد و بر این باور است که اتهام غلو

متقدمان مورد اعتماد نیست؛ زیرا اعتقاد به پایین ترین درجات فضایل اهل بیت (ع) نیز نزد آنان غلو محسوب می‌شد. چنان‌که آنان بعضی از اموری که هم‌اکنون از ضروریات مذهب تشیع محسوب می‌شود، مانند نفی سهو را غلو می‌دانند. (مامقانی، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۲۳۸)

رازگشایی از اسرار غیبی نیازمند بستری مناسب است؛ برخی اسرار چنان است که مردم تاب پذیرش آن‌ها را ندارند و حتی ممکن است برخی را به گمراهی کشانده و از راه میانه بیرون براند. امتناع ائمه (ع) از اظهار دانش غیبی خویش در این راستا قرار دارد. (طباطبایی، ۱۳۹۳، ص ۲۹) چنان‌که امام علی (ع) علت اجتناب از بیان اخبار غیبی را پرهیز از گمراهی مردم در برتری دادن آن حضرت نسبت به رسول خدا (ص) می‌داند و می‌فرماید: «من این رازها را با خواصی که از بیم غلوگویی در امان‌اند، در میان می‌گذارم.» (سید رضی، خطبه ۱۷۵) با این اوصاف، شایسته است روایاتی که در فضایل، شگفتی‌ها و معجزات اهل بیت (ع) صادر شده، فوری رد نشود. مگر آنکه با ضرورت دینی، دلایل محکم، آیات محکم قرآنی و روایات متواتر خلاف آن ثابت گردد. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۵، ص ۳۴۷)

۲-۱-۵. عرضه اطلاعات نادرست در شرح احوال راویان

هاشم معروف در مواردی از بررسی‌های رجالی خود در نتیجه اهمال و یا اطمینان ذهنی خویش بر عدم صحت روایت، شرح حال نادرستی از راویان برخی سلسله اسناد ارائه کرده است. نمونه این امر روایتی است که هاشم معروف به نقل از مختصر بصائر الدرجات (ص ۳۲۰) با این سلسله‌سند آورده است: «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبَانَ عَنْ مُعْتَبِ بْنِ غُلَامِ الصَّادِقِ.»

وی در بررسی سندی روایت معتقد است که جعفر بن بشیر و معتب از رجال ناشناخته و محمد بن عیسی بن عبید غالی و دروغگو و حسن بن علی که خواه مقصود حسن بن علی همدانی باشد یا حسن بن علی بن ابی حمزه بطائنی، به هر حال روایت وی مورد قبول نخواهد بود. زیرا همه افراد نامبرده متهم به دروغگویی و انحراف از تشیع راستین اهل بیت (ع) هستند. (نک: معروف الحسینی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۸۸)

این در حالی است که معتب از اصحاب ثقه امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) است.

(کشی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۵۰؛ خویی، ۴۱۳ق، ج ۱۸، ص ۲۲۷) جعفر بن بشیر نیز از زهاد اصحاب امام صادق علیه السلام و ثقه و جلیل القدر است. (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۱۹؛ طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۰۹) همچنین در این اثر محمد بن عیسی بن عبید غالی و دروغگو معرفی شده، حال آنکه در احوال این شخص اختلاف است: نجاشی وی را ثقه خوانده است و طوسی اعتقاد بر ضعف و غلو وی دارد. (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۳۳؛ طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۵۱۲) اما حسن بن علی نیز مشترک است؛ با توجه به اینکه محمد بن عیسی بن عبید از وی روایت نقل می‌کند، این فرد باید حسن بن علی بن یقطین باشد (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۷، ص ۱۱۱) که از اصحاب امام رضا علیه السلام و فقیه، متکلم و ثقه است. (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۴۵؛ خویی، ۴۱۳ق، ج ۵، ص ۵۹)

بنابراین داده‌های رجالی حاصل از بازخوانی، حاکی از آن است که نه‌تنها راویان مزبور دروغگو و منحرف نیستند، بلکه بعضاً ثقه و قابل اعتمادند.

نمونه دیگر روایتی است که هاشم معروف از بررسی از علی بن عاصم از امام عسکری علیه السلام نقل کرده است؛ وی راوی این روایت یعنی علی بن عاصم را به تصریح مؤلفان رجال، ضعیف و فاسد المذهب معرفی می‌کند. (نک: معروف الحسنی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۹۸) حال آنکه در بررسی احوال این راوی نقل قولی از نجاشی، طوسی، ابن الغضائری، برقی و کشی یافت نشد. آیت‌الله خویی نیز وی را مردی محترم و شیعه‌مذهب عنوان می‌کند اما می‌گوید: «وثاقت وی برای ایشان ثابت نشده است.» (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۲، ص ۶۷)

۱-۳- بی‌اعتبار دانستن روایت به‌زعم بی‌اعتباری منبع آن

آنچنان که در مبحث ارزیابی منبع‌شناختی نیز اشاره شد، هاشم معروف در مواردی از کتاب خود، ضعف روایت و جعلی بودن آن را مستند به منبعی می‌کند که روایت از آن نقل شده است. او در مواضع متعدد ذکر یک حدیث در یک منبع روایی خاص را دلیلی بر ضعف و ساختگی بودن آن دانسته و می‌نویسد: «در عیب و نقص این روایت همین بس که از مرویات فلان کتاب است.» (معروف الحسنی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۲۲ درباره نزهة الابصار و ص ۲۲۵ درباره کتب واقدی)

بررسی‌های ناقدان و حدیث‌شناسان حاکی از آن است که حتی معتبرترین منابع

روایی هم از ورود و اشتغال احادیث دروغین مضمون نمانده‌اند؛ همچنان که احادیث صحیح چندی نیز در منابع کم‌اعتبارتر یافت می‌شود.

بدین ترتیب عدم تفحص از سایر طرق روایت در منابع معتبر روایی و کم‌توجهی به جمع‌آوری احادیث هم‌مضمون و خانواده‌حدیثی از دیگر اشکالاتی است که به روش نقد سندی هاشم معروف وارد است.

۴-۱-۵. مجعول دانستن روایت به صرف حضور راوی خاصی در سند

به نظر می‌رسد که هاشم معروف در برخی بررسی‌های سندی خود گرفتار تندروری شده و این عجله در تضعیف روایت، به قضاوت‌های نادرستی نیز انجامیده است. اشتراکات بسیار در مضامین روایاتی که وی به عنوان موضوعات و مجعولات در کتاب خود گرد آورده، بیانگر این امر است که وی عمدتاً از روی محتوای روایت حکم به جعلی بودن آن داده و بررسی‌های سندی وی بیشتر جنبه تأیید و تأکید دارد. این‌گونه داوری سبب شده است که وی در موارد متعددی، علت مجعول بودن روایت را در غالی بودن یا ضعف یک راوی خاص خلاصه کند. او بارها این تعبیر را به کار می‌برد: «در نقص این روایت همین بس که از منقولات فلان فرد است.» (نک: معروف الحسینی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۱۵ درباره‌ی ابومخنف لوط بن یحیی و ص ۲۸۵ درباره‌ی ابوسعید سهل بن زیاد) هرچند که ممکن است رأی او در موضوع بودن روایت، صحیح هم باشد ولی بی‌تردید این روش برخورد با روایات همواره ثمره‌ی دقیقی به همراه نخواهد داشت.

۵-۱-۵. نقد غیرمنصفانه برخی محدثان و صاحبان آثار

هاشم معروف گاه در خلال گفتارش از عناوین غیرمنصفانه‌ای در توصیف برخی محدثان و صاحبان آثار ارزشمند استفاده کرده است. او بارها محدثانی چون سید هاشم بحرانی، ابن شهر آشوب و بُرسی را حشوی مسلکان شیعه دانسته که بدون توجه به صحت و سقم روایات و بی‌هیچ تحقیقی در سند یا متن روایات و بی‌توجه به ترویج مفاسد، به ثبت و تدوین مجموعه‌ای از احادیث ساختگی و ضعیف در حوزه اخبار غیبی و افسانه‌ها پرداخته‌اند. به عقیده‌ی وی، این قبیل محدثان هرچه را شنیده‌اند در کتب خویش گرد آورده‌اند. (همان، ص ۲۱۷) وی در جایی چنین آورده است: «این روایت از روایات ابن شهر آشوب است که حال وی در استناد به روایات ضعیف - به‌ویژه اگر در

منقبت امامان باشد - بر همگان آشکار است.» (همان، ص ۲۲۱)

به‌رغم آنکه صاحب‌نظران بسیاری بر فضل و علم صاحبان آثار مورد شماتت هاشم معروف تأکید کرده‌اند. برای نمونه شیخ حر عاملی، سید هاشم بحرانی را مردی طاهر، عارف به تفسیر و علوم عربیت و رجال معرفی می‌کند. (حر عاملی، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۳۴۱) دیگر بزرگان نیز بلندای شخصیت سید بحرانی را در تقوا و ایمان و تبحر وی را در حدیث و تفسیر ستوده‌اند. (افندی اصفهانی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۳۱) شیخ حر عاملی درباره ابن شهر آشوب می‌نویسد: «ابن شهر آشوب مازندرانی عالم، فاضل، ثقه، محدث و محقق، عارف به رجال و اخبار، ادیب، شاعر و جامع همه نیکویی‌ها بود.» (حر عاملی، ۱۳۸۵ق، ص ۲۸۵)

۲-۵. ضعف در نقد محتوایی

گرچه از دیرزمان، به نقد محتوایی روایات در مقایسه با نقد سندی آن‌ها، توجه کمتری صورت پذیرفته و همچنین ملاک‌ها و معیارهای این نوع نقد، چندان متمایز و مشخص نشده است، از دقت در مجموع این اظهار نظرها، می‌توان به اشتراکاتی دست یافت که راه را برای پژوهشگر در حوزه نقد متن حدیث روشن می‌کند. (الکعبی، ۱۳۸۳، ص ۲۱۶) لذا برای نقد منصفانه و دقیق یک روایت علاوه بر بررسی سندی باید در بررسی محتوایی روایات، معیارهای مورد نظر بزرگان علم حدیث را به کار بست. اما روش هاشم معروف در مواجهه با روایات، گذشته از نقایص نقد سندی، از حیث نقد محتوایی نیز با ضعف‌هایی روبه‌روست؛ از جمله:

۲-۵-۱. اصرار بیش از حد بر معیار موافقت روایت با عقل و علوم تجربی

از جمله کاستی‌های مشهود در روش نقد متنی هاشم معروف، تمرکز بیش از حد بر بحث تعارض روایات با عقل و علوم تجربی است که چه بسا دیگر معیارها را در کنار آن به فراموشی سپرده یا توصیه‌های ائمه معصومین علیهم‌السلام را در برخورد با حداقل دسته‌ای از این روایات نادیده انگاشته است. بی‌تردید در بررسی محتوایی روایات با توجه به مضمون هر روایت، میزان تمرکز بر هر معیار، از حدیثی به حدیث دیگر متفاوت است. اما افراط در اصرار بر یک معیار و سنجش حداکثری روایات براساس آن نیز نکوهیده است.

هاشم معروف در موارد متعدد با تأکید فراوان بر لزوم انطباق کلام ائمه (ع) با دریافت‌های عقلی، هر روایتی را که به رأی خود خارج از این انطباق تلقی می‌کند، جعلی معرفی می‌نماید.

نمونه این امر روایتی است که هاشم معروف تحت عنوان خطبة الافتخار و خطبة تطنجیه جزو احادیث ساختگی و موهوم دانسته که از آن‌ها رایحه جعل و غلو به مشام می‌رسد. سپس در مقام انکار صدور خطبه برآمده است. (نک: معروف الحسنی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۰۰-۳۰۲) این خطبه‌ها از سخنان منسوب به امیرمؤمنان (ع) است که سیدرضی آن‌ها را در نهج البلاغه نیاورده، اما بُرسی در مشارق أنوار الیقین به آن دو اشاره کرده است. گفتنی است که ظاهراً خطبة الافتخار همان خطبة البیان است. همچنین آقابرگ تهرانی احتمال داده است خطبة تطنجیه که در پایان آن از اقالیم چهارگانه یاد شده، با «خطبة الأقالیم» در المناقب ابن شهرآشوب متحد می‌باشد. (آقابرگ تهرانی، ۱۴۰۸ق، ج ۷، ص ۱۹۸ و ۲۰۱)

در مقابل، جمعی از بزرگان به دفاع از بُرسی، بر این عقیده‌اند که به مجرد دیدن اخباری که با عقل سازگار نیست، نبایست فوری به انکار آن پرداخت. بلکه باید آن را با سایر کلام معصومان سنجد؛ زیرا کلمات معصومان (ع) همچون آیات قرآن حاوی محکم و متشابه، عام و خاص، مطلق و مقید، مجمل و مفصل و تزیل و تأویل است. لذا ایشان مضامین این دو خطبه را صحیح دانسته و صدور آن را از غیر معصوم ناممکن می‌شمارند.

چنان‌که علامه حسن‌زاده علاوه بر صحیح و خالی از غلو دانستن کتاب مشارق الأنوار (محیطی، ۱۳۹۲، ص ۶۳)، در جای دیگر می‌گوید: «در اصول حدیث روایاتی درباره انسان کامل است که در یکایک آن‌ها باید دقت شود. در حدیث هشتم امیرالمؤمنین (ع) فرمود: «أنا عين الله و أنا يد الله، و أنا جنب الله، و أنا باب الله» (باب نوادر کتاب توحید). روایات این باب، مصدق همه روایات کتاب مشارق الأنوار شیخ اجل جناب حافظ رجب بُرسی و نیز مصدق بسیاری از خطب و احادیث صعب و مستصعب صادر از خزانه علم الهی است.» (حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۹، ص ۹۶)

سید جلال‌الدین آشتیانی معتقد است افرادی که قائل به ولایت باطنی برای ساحت

مقدس معصومان علیهم السلام نیستند این قبیل مطالب را غلو می‌دانند. درحالی‌که غلو چیز دیگری است؛ برخی از قدمای محدثان امامیه جماعت زیادی را رمی به غلو کرده‌اند و بعدها متأخرین از اهل رجال و اعظام از اهل درایه و حدیث آن‌ها را از ثقات شمرده‌اند. انکار این قبیل از روایات به اعتبار مضمون و مدلول، انکار فضایل اهل بیت علیهم السلام و مقامات معنوی آن‌هاست. (آشتیانی، ۱۳۷۰، ص ۶۵۳ و ۶۵۷) ملا عبدالصمد همدانی نیز خطبه‌های مزبور را صحیح دانسته و داشتن کمالات این‌چنینی را برای انسان کامل به اذن الهی جایز می‌داند. (دایرة المعارف تشیع، ج ۷، ص ۱۷۳-۱۷۴)

نکته قابل توجه آنکه هاشم معروف این دو خطبه را به شکل کامل نقل نکرده است. چه بسا ذکر کامل این خطبه‌ها بسیاری از ابهامات را از ذهن مخاطب برطرف می‌کرد. برای نمونه در خطبه تطنجیه در صدر خطبه، حضرت ضمن حمد و ستایش خدا و رسولش، صفاتی را به خدا نسبت می‌دهد که در ذیل به خود نسبت داده و مورد نقد هاشم معروف است. حضرت در این خطبه علم خویش را صادر از خداوند و رسول اکرم صلی الله علیه و آله عنوان می‌کند؛ «لقد كشف لي فعرفت، و علمني ربي فتعلمت / فعلمني علمه.» درحالی‌که این عبارات در *الموضوعات* وجود ندارد. همچنین با عرضه خطبه الافتخار به برخی مضامین زیارت جامعه کبیره و در نظر گرفتن بحث ولایت تکوینی برای معصومان علیهم السلام، نظر هاشم معروف در مورد این خطبه قابل تأمل می‌نماید. ضمن آنکه حضرت در این خطبه این فضایل را «بأمر ربي» می‌شمارد.

روایت دیگری از این باب از حضرت علی علیه السلام است که پس از حمد و ثنای الهی و رسول اکرم صلی الله علیه و آله به برشمردن صفاتی برای خویش می‌پردازد. هاشم معروف از نظر سندی روایت را صحیح می‌داند اما احتمال می‌دهد که این روایت جعلی و ساخته غلات بوده که توسط آنان در میان روایات امام باقر علیه السلام درج شده است. البته برای ادعای خود دلیلی ارائه نکرده است. (نک: معروف الحسنی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۸۳)

لازمه دیدگاه هاشم معروف آن است که همه مردم از آغاز تا انجام، در دریافت حقایق امور سطح یکسانی داشته باشند. درحالی‌که رسالت امامان علیهم السلام هدایت نوع بشر با درجات مختلف ادراک علمی و عقلی است. علاوه بر آن باید توجه داشت که پرداختن به مفاهیم غیبی ملازم با سخن گفتن از امور غیرعقلانی نیست.

۲-۵. بی‌توجهی به مبانی اعتقادی شیعه در مسئله امامت

هاشم معروف در مواضع بسیاری در *الموضوعات*، مضامین روایات را به لحاظ اشاره به علم غیب امامان (ع) دروغین دانسته و از پذیرش یا احتمال صحت آن اجتناب کرده است. هرچند ممکن است وی تصریحی به علم غیب نداشته باشد، در مواردی نتیجه برخورد او با روایات چنین خواهد بود.

امامیه معتقدند که امام نیز مانند پیامبر، دارای نفس کمال یافته و مهدبی است که می‌تواند با عالم غیب ارتباط برقرار کند و چه بسا عالم ممکن نیز تحت تأثیر نفس قدسیه وی قرار گیرد که در اصطلاح از آن به «ولایت تکوینی» تعبیر می‌شود. نهایت فرق نبی و امام در دریافت وحی و شریعت جدید است که با بعثت حضرت محمد (ص) به پایان رسیده است. (قدردان قراملکی، ۱۳۸۸، ص ۳۸) حاصل آنکه امامیه «امام» را در حد یک ولی مطلق و انسان کامل مرتبط با عالم غیب و واسطه فیض الهی و حجت آسمانی می‌دانند. (همان، ص ۳۹) امکان ارتباط غیر پیامبران با غیب و قرار گرفتن تحت الهامات الهی امری است که در لسان آیات و روایات اسلامی بدان تصریح شده است. (همان، ص ۱۷۸-۱۷۶؛ نک: قصص: ۷؛ طه: ۳۸؛ کهف: ۶۵؛ آل عمران: ۴۲-۴۷؛ مائده: ۱۱۱؛ نحل: ۲؛ فصلت: ۳۰-۳۱) پیامبر اسلام (ص) خود و اهل بیته را در روایات مختلف به «موضع الرسالة و مختلف الملائكة و معدن العلم» توصیف می‌کرد. (نک: سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۳۷۸) از طریق اسناد شیعی روایات بسیاری در برخورداری امامان از روح باطنی و القای الهام توسط ملائکه بر آنان گزارش شده است. (قدردان قراملکی، ۱۳۸۸، ص ۱۸۳؛ نیز نک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۷۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۶، ص ۶۶ و ۸۵) کوتاه سخن آنکه امامان (ع) با عنایت الهی دارای مقام ولایت باطنی و معنوی بوده که در پرتو آن می‌توانند با عالم غیب ارتباط برقرار نموده و از طریق آن به علم گذشته و آینده آگاهی پیدا کنند. اما اینکه چرا در برخی موارد امامان (ع) علم غیب را در مورد خود نفی کرده‌اند، می‌تواند توجیحات مختلفی نظیر توجه به مخاطب مقصره داشته باشد که توانایی تفکیک میان علم غیب ذاتی و استقلالی خداوند از علم غیب امامان (ع) را نداشتند یا ممکن است این برخورد امامان (ع) به خاطر وجود افراد غالی در میان مخاطبانشان بوده است که با مشاهده

کوچک‌ترین نشانه‌ای از علم غیب ائمه علیهم‌السلام آنان را در مرتبه نبوت و چه بسا خدایی نشانده و از غلو سر درمی‌آوردند. همچنین ممکن است این انکار متوجه علم استقلالی و ذاتی در مورد ایشان بوده و نه علمی که تابع علم الهی است. چنان‌که اگر در آیه‌ای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم علم غیب را از خود نفی می‌کند، همان معنای استقلالی آن است. (اعراف: ۱۸۸) دلیل چهارمی که برای این موضوع متصور است، نفی علم فعلی و نه مطلق علم می‌باشد؛ زیرا بر اساس برخی روایات، ائمه اطهار علیهم‌السلام بالفعل همه علوم را نمی‌دانند، بلکه وقتی بخواهند خداوند آن را اعطا می‌کند. (نک: قدردان قراملکی، ۱۳۸۸، ص ۴۶۲-۴۵۹)

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

کتاب *الموضوعات فی الآثار و الاخبار* نوشته سید هاشم معروف الحسنی با رویکرد تطبیقی به جوامع حدیثی فریقین و به‌ویژه منابع روایی شیعه نگاشته شده است. موضوع پژوهش حاضر، بررسی روش نقادی هاشم معروف در نقد روایاتی است که وی در ارتباط با فضایل اهل بیت علیهم‌السلام گزارش نموده و آن‌ها را ساختگی شمرده است. وی برای بررسی روایات کمابیش از نقد متنی و سندی استفاده کرده است. از محاسن این اثر، به کار گرفتن تمام ضوابط برای نقادی علمی روایاتی است که اغلب به اسطوره‌های باستانی شباهت دارد و اثری از واقعیت در آن نیست. به اعتقاد وی، مضامین این قبیل روایات نه تنها فضیلتی برای اهل بیت علیهم‌السلام محسوب نمی‌شود، بلکه موجب تضعیف چهره ایشان و وهن مذهب تشیع می‌گردد. به‌رغم اهتمام هاشم معروف در نقد برخی روایات و با وجود اهمیت جایگاه *الموضوعات* در پیراستن جوامع روایی شیعه از بسیاری موهومات، وی در نقد علمی اکثر روایات مندرج در کتابش به‌خصوص در بخش فضایل اهل بیت علیهم‌السلام دچار اهمال و تسامح شده و گرفتار قضاوت یک‌جانبه و عجولانه گشته است. این موضوع می‌تواند از میزان کارایی این اثر در شناسایی روایات جعلی بکاهد. نقاط ضعف این اثر در موارد ذیل خلاصه می‌شود:

- از نظر منبع‌شناختی، نویسنده در بهره‌گیری از منابع روایی و رجالی دچار ضعف شده است. چنان‌که درباره برخی منابع روایی نگاهی تعمیم‌گرا داشته و در استفاده از منابع رجالی هم از منابع دست اول غفلت کرده است.

- از جمله ضعف‌های روش شناختی هاشم معروف، پرننگی بحث «غلو» در نقدهای سندی و رجالی است. وی بسیاری از روایات را با استناد به غالی بودن راویان سلسله‌سند، بی‌اعتبار معرفی می‌کند. چنان‌که در سنجش رجالی این افراد به صورت گزینشی و غیرمنصفانه به اقوالی اکتفا کرده که در راستای عقیده‌اش بوده است.
 - دیگر کاستی‌های روش نقد سندی هاشم معروف عبارت است از: عرضه اطلاعات نادرست در شرح احوال راویان به واسطه اهمال یا اطمینان ذهنی وی بر عدم صحت روایت؛ اذعان به جعلی بودن روایتی به صرف نقل شدن از یک منبع روایی کم‌اعتبار بدون تفحص از سایر طرق روایت در منابع معتبر روایی؛ استفاده از عناوین غیرمنصفانه در توصیف و نقد شخصیت برخی محدثان و صاحبان آثار.
 - از دیگر ضعف‌های مشهود هاشم معروف در نقد محتوایی روایات فضایل اهل بیت (ع)، اصرار بیش از حد بر معیار موافقت روایت با عقل و علوم تجربی است؛ زیرا هر آنچه با عقل مغایر می‌دیده و خارق عادت می‌انگاشته، ساختگی دانسته است. ضعف دیگر، بی‌توجهی به مبانی اعتقادی شیعه در مسئله امامت نظیر بحث ولایت تکوینی معصومان (ع) است. وی در مواضع بسیاری مضامین روایات را به لحاظ اشاره به علم غیب امامان (ع) دروغین دانسته است.
- اشتراکات موجود در مضامین روایات به اصطلاح جعلی در الموضوعات، بیانگر این امر است که هاشم معروف عمدتاً براساس محتوای روایت حکم به جعلی بودن آن داده و بررسی‌های سندی بیشتر جنبه تأیید و تأکید بر دیدگاهش دارد.

پی‌نوشت‌ها

۱. چهار رویکرد در تکثرگرایی یا پلورالیسم دینی مطرح است. (نک: خسروپناه، ۱۳۷۶، ص ۲۴-۴۹) اما تکثرگرایی مورد نظر آیت‌الله صدر به معنای امکان گفتگو میان متدینان از مذاهب مختلف با شرح صدر و همدلی و همراه با ضوابط معرفت‌شناسی و نیز زندگی برادرانه آنان با یکدیگر است. (همان، ص ۲۴۴)
۲. برای اطلاع از سایر موارد، نک: معروف‌الحسنی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۰۰، ۲۴۶ و ۲۵۷.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵ق.
۲. نهج البلاغه، سید رضی، محمد بن حسین، ترجمه جعفر شهیدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸ش.
۳. آشتیانی، سید جلال الدین، شرح مقدمه قیصری بر فصوص الحکم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۰ش.
۴. ابن داود حلی، محمد تقی، رجال ابن داود، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۹۲ق.
۵. ابن الغضائری، احمد بن حسین، رجال ابن الغضائری، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۰ش.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرّم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۷. اخوان صراف، زهرا، «بررسی روش کتاب الموضوعات فی الآثار والأخبار در شناخت احادیث موضوعه»، علوم حدیث، شماره ۳۱، ۱۳۸۳ش، ص ۱۵۶-۱۸۸.
۸. _____، «چون و چرایی در تشخیص موضوعات (در الموضوعات فی الآثار و الاخبار)»، علوم حدیث، شماره ۴۳، ۱۳۸۶ش، ص ۱۲۹-۱۴۹.
۹. اسداللهی، مسعود، از مقاومت تا پیروزی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اندیشه سازان نور، ۱۳۷۹ش.
۱۰. اسماعیلی، آیت الله، «معرفی اجمالی کتاب الموضوعات فی الآثار و الاخبار»، حدیث اندیشه، شماره ۳ و ۴، ۱۳۸۱ش، ص ۱۸۳-۱۹۷.
۱۱. الکعبی، قاسم، «مبانی نقد متن الحدیث عند الفریقین»، مجله طلوع، شماره ۸ و ۹، ۱۳۸۳ش، ص ۲۱۳-۲۴۸.
۱۲. افندی، عبد الله بن عیسی، تعلیقه آمل الامل، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۰ق.
۱۳. امامی جو، محمد حسین، نقد روش های نقد حدیث هاشم معروف الحسینی در کتاب الموضوعات، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: محمد رضوی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ۱۳۸۳ش.
۱۴. امین، سید محسن، اعیان الشیعه، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۱۸ق.
۱۵. امینی، عبدالحسین، الغدیر فی الكتاب و السنة و الأدب، قم: مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه، ۱۴۱۶ق.
۱۶. بحرانی، سید هاشم، مدینه معجز الأئمة الاثنی عشر و دلائل الحجج علی البشر، قم: المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۳ق.
۱۷. برسی، رجب بن محمد، مشارق الانوار الیقین فی اسرار امیرالمؤمنین علیه السلام، بیروت: الاعلمی، ۱۴۲۲ق.
۱۸. بهشتی، ابراهیم، اخباریگری، تاریخ و عقاید، قم: دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۹۱ش.
۱۹. بیدآبادی، مسعود، «معرفی مشارق انوار الیقین»، فصلنامه علمی پژوهشی حدیث پژوهی، شماره ۲۲، ۱۳۸۰ش، ص ۱۳۴-۱۶۰.

۲۰. تهرانی، آقازرگ، *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، قم: اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.
۲۱. حر عاملی، محمد بن حسن، *أمل الآمل*، بغداد: مکتبة الأندلس، ۱۳۸۵ق.
۲۲. حسن‌زاده آملی، حسن، *خیر الاثر در رد قدر و جبر*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمی قم، ۱۳۷۹ش.
۲۳. حقانی، مصطفی، «جابر جعفری غالی یا متهم به غلو»، فصلنامه علمی پژوهشی *تقد و نظر*، سال هفدهم، شماره ۱، ۱۳۹۱ش، ص ۱۳۱-۱۵۱.
۲۴. حیدر، عاکف، *الاشیاء باسمائها من اجل لبنان افضل*، بیروت: شرکت المطبوعات لتوزیع و النشر، ۱۹۹۵م.
۲۵. خدایاری، علینقی، *تاریخ حدیث شیعه در سده‌های هشتم تا یازدهم هجری*، قم: دار الحدیث؛ سازمان چاپ و نشر، ۱۳۹۰ش.
۲۶. خسروپناه، عبدالحسین، «نگاهی درون‌دینی به پلورالیزم دینی»، فصلنامه *کتاب تقد*، شماره ۴، ۱۳۷۶ش.
۲۷. خلجی، عباس، «روند شکل‌گیری و دگرگونی جنبش امل»، ماهنامه *خبری تحلیلی نهضت*، سال دوم، شماره ۲۳، ۱۳۸۱ش.
۲۸. خوبی، ابوالقاسم، *معجم الرجال الحدیث*، قم: مرکز نشر الثقافه الاسلامیه، ۱۴۱۳ق.
۲۹. سبحانی، جعفر، *موسوعة طبقات الفقهاء*، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۴۱۸ق.
۳۰. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر، *الدر الممشور فی تفسیر المأثور*، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۳۱. شبیری زنجانی، موسی، *کتاب النکاح*، قم: مؤسسه پژوهشی رأی‌پرداز، ۱۴۱۹ق.
۳۲. شوشتری، محمدتقی، *قاموس الرجال*، قم: مؤسسه نشر الاسلامی، ۱۴۱۹ق.
۳۳. _____، *قضاوت‌های امام علی (ع)*، ترجمه محمد موسوی جزائری، تهران: بدر، ۱۳۸۹ش.
۳۴. ضمیری، محمدرضا، *کتابشناسی تفصیلی مذاهب اسلامی*، قم: مذاهب اسلامی، ۱۳۸۲ش.
۳۵. صادقی، مصطفی، «بررسی منابع قضاء امیرالمؤمنین (ع)»، فصلنامه *حدیث پژوهی*، سال ششم، شماره ۱۲، ۱۳۹۳ش، ص ۲۳۹-۲۵۰.
۳۶. _____، *ارزیابی اخبار قضاوت‌های امیرالمؤمنین (ع)*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۲ش.
۳۷. صدر حاج سید جوادی، احمد *دایرة المعارف تشیع*، ایران: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت (ع)، ۱۳۶۰ش.
۳۸. صفری فروشانی، نعمت‌الله، *غالیان، کاوشی در جریان‌ها و برآیندها*، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸ش.
۳۹. طباطبایی، محمد کاظم، *تاریخ حدیث شیعه «۲» (عصر غیبت)*، قم: دار الحدیث؛ سازمان چاپ و نشر، ۱۳۹۰ش.

۴۰. طباطبایی، مهرا، «نقش غالبان در انتشار روایات با مضامین فوق بشری بودن ائمه»، فصلنامه *مطالعات اسلامی*، سال ۴۶، شماره ۹۳، ۱۳۹۳ش، ص ۳۶-۹.
۴۱. طلائیان، رسول، *مآخذشناسی رجال شیعه*، قم: دار الحدیث؛ سازمان چاپ و نشر، ۱۳۸۱ش.
۴۲. طوسی، محمد بن حسن، *الفهرست*، تحقیق: جواد قیومی، بیروت: دارالمفید، ۱۴۱۷ق.
۴۳. عزتی فردویی، محمدرضا و صمد اسمی قیه‌باشی، «رابطه میان غلو و جعل در کتاب الموضوعات فی الآثار و الاخبار»، فصلنامه علمی پژوهشی علوم حدیث، شماره ۱، ۱۳۹۶ش، ص ۱۱۷-۱۴۰.
۴۴. علیزاده، ه.، *فرهنگ سیاسی لبنان*، ترجمه: محمدرضا گل‌سرخ و محمدرضا معماری، تهران: سفیر، ۱۳۶۸ش.
۴۵. غریب، حسن، *نحو تاریخ فکری سیاسی لشیعۀ لبنان*، بیروت: دارالکنوز الادبیه، ۲۰۰۰م.
۴۶. فضل الله، حسن، *الخيار الآخر: حزب الله، سيرة الذاتيه، الموقف*، بیروت: دار الهادی، ۱۹۹۴م.
۴۷. قدردان قراملکی، محمدحسن، امامت، پاسخ به شبهات کلامی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۸ش.
۴۸. قیصری، داود بن محمود، *شرح مقدمه قیصری بر فصوص الحکم*، تحقیق جلال‌الدین آشتیانی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۰ش.
۴۹. کشی، محمد بن عمر، *اختیار معرفة الرجال*، قم: مؤسسه آل‌البتیة، ۱۴۰۴ق.
۵۰. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تحقیق و تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۵۱. کمالیان، محسن و علی‌اکبر رنجبر کرمانی، *عزت شیعه*، تهران: صحیفه خرد، ۱۳۸۶ش.
۵۲. مامقانی، عبدالله، *مقباس الهدایه*، تصحیح محمدرضا مامقانی، قم: مؤسسه آل‌البتیة، ۱۴۱۱ق.
۵۳. مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار*، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۵۴. مهدوی راد، محمدعلی، جباری، امیر، «محمد بن سنان از ورای دیدگاه‌ها»، فصلنامه علمی پژوهشی حدیث پژوهی، شماره ۸، ۱۳۹۱ش، ص ۳۷-۶۴.
۵۵. محیطی، علی، *سلوک صراط، رهنمودهای اخلاقی عرفانی حضرت استاد علامه حسن‌زاده آملی در سیر و سلوک الی الله*، قم: قائم آل محمد، ۱۳۹۲ش.
۵۶. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۳۰ق.
۵۷. معروف الحسنی، هاشم، *الموضوعات فی الآثار و الاخبار*، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۷ق.
۵۸. مفید، محمد بن محمد، *تصحیح الاعتقاد*، تهران: روشنای مهر، ۱۴۳۰ق.
۵۹. نجاشی، احمد بن علی، *فهرست نجاشی*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۲ق.
۶۰. واسطی، احمد، *سیره و حیاة الامام الخوئی*، بیروت: دار الهادی، ۱۴۱۹ق.